



بعد از مدت‌ها گذارم به یک کافی‌نت افتاد. به نظر من کافی‌نت، بهترین نقطه دنیا برای یافتن سوزده شبکه است. پشت کامپیوتر خاک‌گرفته‌ای که نسخه‌ای به‌روز نشده از ویندوز اکس‌پی داشت و ویروس‌یابش مدام هشدار می‌داد که این کار را بکن و آن کار نکن که اگر بی‌توجهی کنی، مسئولش خودت خواهی بود، نشسته بودم. برای فردی چون من که سال‌هاست با ویندوز خداحافظی کرده و تمام این مدت سعی‌ام بر این بوده که نرم‌افزارهای دزدی را روی سیستم نصب نکنم، نشستن پشت کامپیوتر خاک‌گرفته‌ای که نمایشگرش متعلق به دوران پیش از ال‌سیدی است، یک تجدید خاطر اساسی محسوب می‌شد.

مرورگر را باز کردم که وارد ایمیل شوم و مقالات آماده این ماه را بفرستم. صفحه ورودی گوگل، آدرس ایمیل کاربرانی را نشانم داد که پیش از من روی همین صندلی نشسته بودند و وارد مرورگر شده بودند و بدون پاک کردن ردپای خود سر خانه و زندگی‌شان رفته بودند. همین‌طور که کار می‌کردم صدای خانمی را هم می‌شنیدم که با مسئول کافی‌نت صحبت می‌کرد و او را راهنمایی می‌کرد که چطور برنامه امتحانی پایان سال را تایپ کند؛ این‌که دانش‌آموز حق ندارد موبایلش را چه خاموش یا روشن سر جلسه امتحان بیاورد که اگر بیاورد، خودش می‌داند و موبایلش! راهنمایی‌های این خانم را که گویا تمامی نداشت، می‌شنیدم که پسر و دختر جوانی وارد شدند. پسر که از قول دختر حرف می‌زد، گفت: «یک تحقیق می‌خواهم.» صاحب کافی‌نت پرسید: «در مورد چه باشد؟» که دختر موضوع را گفت. سؤال بعدی صاحب کافی‌نت رعد و برقی شد و بر سرم فرود آمد: «چند صفحه باشد؟» از اینجا بود که دیگر خودم را به ناشنوایی زدم و متمرکز شدم به نورهای لرزان نمایشگر قدیمی کامپیوتر.

در همان چند دقیقه‌ای که به اجبار در کافی‌نت بودم با دو نمونه حیرت‌انگیز از انسان‌هایی روبه‌رو شدم که هنوز در جامعه ما حضور دارند و مرا به فکر فرو بردند. باز هم در چرخه مقایسه امروز با یکی دو دهه قبل افتادم. همیشه فکر می‌کردم این روزها و با وجود در دسترس بودن امکانات بی‌نظیری چون اسمارت‌فون‌ها، سیم‌کارت‌های نسل چهارم، ارتباطات اینترنتی با سرعت خوب و وجود ابزارها و ابزارک‌هایی نظیر تلگرام و اینستاگرام، دیگر این نوع تهیه تحقیق به‌طور کامل منسوخ شده باشد. فکر می‌کردم حالا در مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها به دانش‌آموزان و دانشجویان، فرهنگ استفاده از ابزارهای جدید و به خدمت گرفتن این ابزارها برای دانستن و فهمیدن و پیش بردن نیازهای علمی و تحقیقاتی آموزش داده می‌شود. اما متأسفانه این دو نمونه نشان داد که هنوز هستند افرادی که نمی‌توانند یک جدول ساده را با کامپیوتر تنظیم و چاپ و روی تابلوی اعلانات مدرسه نصب کنند. هستند دانشجویانی که برای یک ارائه کلاسی، به کافی‌نت می‌روند و طول و عرض تحقیق خود را مشخص می‌کنند و پرینت‌شده‌اش را می‌گیرند و خانه می‌برند تا برای روز ارائه حفظ کنند. بگذریم از آن‌هایی که حساب ایمیل خود را در کافی‌نت رها می‌کنند و می‌روند، در عجبم! از دانش‌آموزان و دانشجویانی که می‌توانند سر جلسه امتحان با کمک گوشی همراه خود به پرسش‌ها پاسخ دهند، اما قادر به تهیه یک تحقیق ساده نیستند. همه این‌ها به توانایی معلمان، استادان و به‌طورکلی‌تر متولیان آموزشی برمی‌گردد که چطور سواد استفاده از ابزارهای جدید را به نسلی که تربیت می‌کنند، بیاموزند. هیچ وقت یادم نمی‌رود استاد یکی از دروس عمومی چطور ما را تشویق کرد که موضوعی را انتخاب کرده و از روی

کتاب‌های مرتبط با آن موضوع، تحقیق کنیم. مدت‌ها به دنبال کتاب گشتم و در کتابخانه پیدا نشد؛ در نهایت یکی از آشنایان، کتاب را امانت داد. آن دوران را با اکنون مقایسه می‌کنم و می‌بینم اقیانوسی از اطلاعات در اختیار دانشجویان و کاربران است که می‌توانند با چند اشاره به آن‌ها دست یابند. اگر بگوییم این دانشجویان و حتی دانش‌آموزان نمی‌توانند از این ابزارها استفاده کنند، به هیچ وجه باورپذیر نیست. به گواهی پست‌های اینستاگرام و آنچه در فضای مجازی می‌بینیم، نسل دانش‌آموز و دانشجو تبحر زیادی در استفاده از این ابزارهای جدید دارند، اما این موضوع که چرا آن‌ها برای یک تحقیق ساده حاضر نمی‌شوند وقت صرف کنند یا حتی در یافتن آنچه می‌خواهند ناتوان هستند، پرسشی است که پاسخی برای آن ندارم. البته همه چیز به کافی‌نت‌ها ختم نمی‌شود. مدتی قبل با جشنواره‌ای دانش‌آموزی آشنا شدم که قرار بود دانش‌آموزان را به تحقیق و ارائه نتایج تحقیق در یک نمایشگاه تشویق کند. دانش‌آموز باید موضوعی را انتخاب می‌کرد و بر اساس الگوی جشنواره مطالبی را آماده کرده و برای ارائه روی تابلویی با ابعاد مشخص شده می‌چسباند. با جست‌وجویی در اینترنت متوجه شدم، سایت‌هایی وجود دارند که این تحقیقات را می‌فروشند. به صورت بسته کامل! خیلی‌ها شاید بگویند این یک کسب‌وکار است. اما به نظر من کسب‌وکار سالمی نیست. درآمد آن کافی‌نت و آن سایت، قطعاً از جمله درآمدهایی است که پاکیزه نبوده و باید از آن دوری کرد. همان‌طور که نمره آن تحقیقات دروغین هم نمره پاکیزه‌ای نیست و مدرک حاصل از آن‌ها هم هیچ برکتی ندارد. البته که معلمان و متولیان آموزشی هم باید توجه زیادی کنند، چون ممکن است این پول‌های آلوده، به درآمد آن‌ها هم سرایت کند.

تاریخ انتشار:

09 تیر 1398

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/opinion/15617/%D8%B3%D9%88%DA%98%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%DA%A9%D8%A7%D9%81%DB%8C-%D9%86%D8%AA%DB%8C>